



پارادایم تفسیرگرایی در حسابداری مدیریت: تعامل گرایی نمادین و ساختارگرایی

زهرا جودکی چگنی^۱ ©

دانشجوی دکترا، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر رافیک باغومیان^۲

استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی

(تاریخ دریافت: ۲۹ فروردین ۱۴۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۴ مهر ۱۴۰۱)

هدف: با توسعه رقابت اقتصادی و اجتماعی رو به رشد، حسابداری مدیریت به طرز بی سابقه‌ای توسط حلقه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و به یک نگرانی تبدیل شده است. رسالت نهایی تئوری حسابداری مدیریت ارائه خدمات بهتر در حوزه عمل است. لذا تحقیقات حسابداری مدیریت نمی‌توانند از فعالیت‌های واقعی تجاری جدا باشند. هدف پژوهش حاضر بحث و بررسی پارادایم تفسیری با تکیه بر مبانی و کاربرد آن در تحقیقات حسابداری مدیریت می‌باشد.

روش: این پژوهش از لحاظ روش، مروری و به ارزیابی پژوهش‌هایی که در گذشته انجام شده می‌پردازد. یافته‌ها: تعامل گرایی نمادین و ساختارگرایی به عنوان شاخه‌ای از رویکرد تفسیری می‌باشد. این مطالعه یک تصویر کلی، اما منظم از وضعیت و توسعه حسابداری مدیریت را توضیح و به توسعه نظریه کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری: یک روش تفسیری و یک رویکرد نظریه‌ای مبتنی بر این امر می‌تواند به طور موثر پژوهشگران را در ارزیابی تئوری حسابداری مدیریت حمایت کند. همچنین، پارادایم تفسیری در فلسفه علم می‌تواند به محققان کمک کند تا واقعیت زندگی اجتماعی را بیشتر کنکاش کنند.

واژه‌های کلیدی: حسابداری مدیریت، تعامل گرایی نمادین، رویکرد تفسیری، ساختارگرایی.

¹ z_joudakichegeni@sbu.ac.ir

² r_baghomian@sbu.ac.ir

مقدمه

حسابداری مدیریت به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی حسابداری مدرن در زمینه‌های تئوری و عمل، پیشرفت اندکی داشته است. پژوهشگران، حسابداران مدیریت را به منظور شناسایی مهارت‌ها و توانایی‌هایی که آنان در ایفای نقش‌هایشان نیاز دارند، مورد بررسی قرار داده‌اند [۱]. با این وجود، علیرغم پیشرفت در حسابداری مالی، حسابداری مدیریت فاقد یک چارچوب نظری جامع به عنوان یک راهنما می‌باشد [۱۸]. با این حال، حسابداری مدیریت به عنوان یک رشته قابل تامل است. توجه بسیاری از محققان حسابداری به تحقیقات حسابداری مدیریت معطوف شده است. چرا که مدیران برای ایجاد تصمیمات عملیاتی و استراتژیک در استفاده از روش‌های حسابداری مدیریت، به اطلاعات نیاز دارند [۱۳]. علاوه بر این، یک سیستم حسابداری مدیریت مناسب می‌تواند مزایای رقابتی یک شرکت را نسبت به رقبای فراهم کند [۲۹]. با توجه به اهمیت و نقش حسابداری مدیریت در بهبود عملکرد واحد تجاری می‌بایست به مبانی و تئوری‌های پشتوانه آن توجه ویژه‌ای گردد.

فاصله بین تئوری حسابداری مدیریت در غرب در مقایسه کشورهای در حال ظهور قابل اغماض نیست [۱۹]. بنابراین، به منظور درک این موضوع، باید عوامل اثرگذار را مورد کنکاش قرار داد. در همین راستا، لبدو (۲۰۱۹) و سمنووا (۲۰۲۰) بیان کرد که سیر تحول حسابداری مدیریت متأثر از عوامل خارجی مانند دانشگاهیان، آموزش دانشجویان و کارمندان، مقررات دولتی، انجمن‌های حرفه‌ای، مشاوران، فن‌آوری و انتقال ایده‌ها و شیوه‌های حسابداری مدیریت می‌باشد. اما گاهی اوقات، این عوامل به دلیل عدم رهبری، فرصت‌طلبی و منافع شخصی بازیگران اصلی موثر واقع نمی‌شود. اخیراً، پژوهشگران به نقش حسابداری مدیریت فراتر از منافع مدیریتی پرداخته و به دنبال تعیین ارتباط اجتماعی آن هستند. به عبارتی، کاربرد و استفاده از حسابداری مدیریت فراتر از سازمان‌ها و منافع اصلی اقتصادی آنها است و شامل افراد، گروه‌ها و سازمان‌هایی است که دارای منافع فراتر از موقعیت اقتصادی و مالی هستند (آلتیبت و آلتیبت، ۲۰۱۳). تحقیقات در حسابداری مدیریت دارای سنتی طولانی است که تئوری‌های مختلفی در این فرآیند مورد استفاده قرار می‌گیرد [۲۹]. در این میان، چارچوب‌های توسعه یافته توسط بارل و مورگان (۱۹۷۹)، هاپر و پاول (۱۹۸۵)، چوا (۱۹۸۶) و رایان و اسکینس (۲۰۰۲) قابل توجه هستند. حوزه حسابداری مدیریت در سه رویکرد پژوهشی، جریان اصلی، تفسیری و انتقادی مورد بررسی قرار می‌گیرد [۲۸]. دیدگاه‌های مختلف در مورد حسابداری منجر به استفاده از رویکردهای روش‌شناختی مختلف در تحقیقات حسابداری شد. به بیان دیگر، این الگوها با مطالعه موضوعات مربوط به حسابداری مدیریت از روش تحقیق مجزا استفاده می‌کنند. تمایز در روش تحقیق بر اساس فرضیاتی در مورد ماهیت علوم اجتماعی و ماهیت جامعه ایجاد شده است. در همین راستا، بیشتر مطالعات کیفی دارای ویژگی‌های مشترک هستند که ماهیت تفسیری آنها را متمایز می‌کند [۲۴]. این مطالعه از میان پارادایم‌های معرفی شده توسط بارل و مورگان مشخصاً به رویکرد تفسیری می‌پردازد.

گانبی و سورم (۲۰۱۸) استدلال می‌کنند که پارادایم تفسیری بر روی ادراک انسان از واقعیات متمرکز است. مطالعات تفسیری مبتنی بر این باور است که رویه‌های حسابداری به طور اجتماعی ساخته شده و

توسط بازیگران اجتماعی قابل تغییر است. پارادایم تفسیری دارای شاخه‌های متنوعی است که دو مورد از رایج‌ترین آنها عبارتند از تعامل‌گرایی نمادین و تئوری ساختارگرایی [۱۱]. بر اساس دیدگاه تعامل‌گرایی نمادین، واقعیت ساخته تعاملات افراد است و توسط نمادها تغییر می‌کند. مضافاً، بر اساس دیدگاه ساختارگرایی، ویژگی‌های ساختاری سیستم‌های اجتماعی نتیجه رویه‌های عمل افراد هستند. ساختارها، الگوهایی برای راهنمایی اعمال افراد هستند.

هاپر و پاول (۱۹۸۵) تأکید کردند که روش تحقیق تفسیری با بررسی چگونگی مفاهیم اجتماعی، درک بهتری از حسابداری ایجاد می‌کند. از منظر دیگر، یکی از انتقادهایی که به پژوهش تفسیری توسط محققان منتقد وارد شده این است که مطالعات تفسیری برنامه‌ای برای تغییرات اجتماعی در برنمی‌گیرد. از نگاه برخی از پژوهشگران، اختیار انسان باعث ماندگاری و تغییر در ساختارها می‌شود و این تغییرات ممکن است ناشی از انتخاب آگاهانه عمل متفاوت یا پیامد ناخواسته رفتار باشد [۲۶]. پژوهش حاضر با تمرکز بر پژوهش‌های پیشین درصدد است که به بسط مبانی و رویکرد نظری تئوری تفسیری و انواع آن بپردازد. بخش بعدی با مرور ادبیات پیشین مربوط، به حسابداری مدیریت در تئوری، تئوری تفسیری، تئوری ساختاری و تئوری تعامل‌گرایی نمادین می‌پردازد.

حسابداری مدیریت

حسابداری مدیریت به دلیل برآورده کردن اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم‌گیری مدیریتی حائز اهمیت است. چرا که اطلاعات حسابداری مدیریت می‌تواند برای برنامه‌ریزی و فرآیند کنترل مفید باشد [۶]. دیدگاه مرسوم حسابداری مدیریت این است که این شاخه‌ای از حسابداری است. لاتور (۲۰۰۵) اظهار داشت که حسابداری مدیریت اطلاعات مالی و غیر مالی را اندازه‌گیری کرده و به مدیران کمک می‌کند تا برای تحقق اهداف سازمان تصمیم‌گیری کنند و به آنها اجازه می‌دهد تصمیمات بهتری در مورد تحقق اهداف سازمان و آینده شغلی خود بگیرند. برخلاف حسابداری مالی که اطلاعات را به استفاده‌کنندگان خارجی ارائه می‌دهد، حسابداری مدیریت اطلاعات محرمانه‌ای را برای مدیران یک سازمان فراهم می‌آورد. انجمن حسابداران مدیریت خبره بیان کرد که حسابداری مدیریت با شناسایی، اندازه‌گیری، انباشت، تجزیه و تحلیل، آماده‌سازی و تفسیر اطلاعات به مدیریت در برنامه‌ریزی، ارزیابی و کنترل واحد تجاری و پاسخگویی در برابر منابع کمک می‌کند. در همین راستا، حسابداری مدیریت همچنین شامل تهیه گزارش‌های مالی برای گروه‌های غیرمدیریتی مانند سهامداران، بستانکاران، موسسات نظارتی و مقامات مالیاتی است.

از آنجا که رشته حسابداری مدیریت به عنوان یک رشته کاربردی در نظر گرفته می‌شود، تعدادی از پژوهشگران ادعا می‌کنند که تحقیقات حسابداری مدیریت باید تئوری‌هایی را توسعه دهد که می‌تواند در عمل مورد استفاده قرار گیرد. مطابق با تقسیم تئوری _ عمل، حسابداری مدیریت دارای یک شخصیت علمی نظری است. چرا که افزایش ارتباط عملی دانش حسابداری مدیریت با بحث در مورد مطلوبیت کثرت‌گرایی نظری و تنوع پارادایمی در تحقیقات حسابداری مدیریت ارتباط دارد.

براموویچ (۲۰۱۰) یک نمای کلی از آنچه در ۲۰ سال گذشته در تحقیقات حسابداری مدیریت منتشر شده تحت عناوینی همچون شامل هزینه‌یابی مبتنی بر فعالیت، بودجه‌بندی سرمایه، بودجه‌بندی و هزینه‌یابی استاندارد، سیستم‌های حسابداری هزینه، سیستم‌های کنترل مدیریت، شیوه‌های حسابداری مدیریت و تحول حسابداری مدیریت، اندازه‌گیری عملکرد، مدیریت استراتژیک و مدیریت ریسک ارائه می‌دهد [۸]. زمینه‌های تحقیقاتی برخی از آنها همانند تحول حسابداری مدیریت، اندازه‌گیری عملکرد و مدیریت کنترل سازمانی، نسبت به بودجه‌بندی، هزینه‌یابی مبتنی بر فعالیت و مدیریت استراتژیک برجسته‌تر هستند. این نشان‌دهنده تنوع گسترده مطالعاتی است که در زمینه حسابداری مدیریت انجام شده است و بحث درباره هر یک از این موارد از حوصله این مقاله خارج است.

تحولات مختلفی فراتر از منافع مدیریتی مانند حسابداری مدیریت محیط زیست [۱۰]، قدرت در تصمیم‌گیری استراتژیک [۳۳]، نگرانی‌های اخلاقی در حسابداری و مدیریت ریسک وجود دارد [۳۲]. در حقیقت، اصلی‌ترین عملکردهای عملی حسابداری مدیریت شامل تصمیم‌گیری (تشکیل استراتژی)، برنامه‌ریزی (بودجه‌بندی) و کنترل (مدیریت عملکرد) در قلب چارچوب نظری خواهد بود. توسعه تحقیقات حسابداری مدیریت مطابق با تغییر الگوی حسابداری مدیریت در عمل است. از دهه ۱۹۹۰، مفهوم حسابداری مدیریت معاصر با تمرکز بر موضوعات فنی، از مفهوم حسابداری مدیریت سنتی جدا شده است. بطور مثال، رقابت جهانی شرکت‌ها را ملزم به استفاده از اطلاعات از رویکرد پایین به بالا می‌کند که نیروی کار را قادر می‌سازد تا فرایندهای رضایت مشتری را کنترل کند.

تئوری‌ها و چارچوب حسابداری مدیریت

محققان باید تئوری‌های حسابداری مدیریت اختصاص داده شده به حداکثر کردن ارزش، تئوری‌های اختصاص داده شده به برابری اجتماع، تئوری‌های اختصاص داده شده به پایداری محیط زیست را توسعه دهند. به عبارت دیگر، تنها یک تئوری پایه در حسابداری مدیریت وجود ندارد. تحقیقات در مورد حسابداری مدیریت بهتر خواهد بود اگر محققان به وضوح تابع هدف را توضیح دهند و برای حمایت از این هدف، تئوری بسازند [۱۹]. تئوری حسابداری مدیریت نیز مرجعی متشکل از فرضیه‌های بدیهی و اصول زیربنایی بر گرفته از نظام‌های مختلف است که بر پایه آن، روش‌های عملیاتی موجود و روش‌های آینده در حسابداری مدیریت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد [۱۸]. ادعا بر این است که تئوری حسابداری مدیریت باید شامل مجموعه‌ای از قضایا در خصوص نحوه فعالیت‌های کنترل و حسابداری سازمان در شرایط مختلف باشد. ایجاد مجموعه‌ای از تئوری‌ها که قادر به تفسیر روشها، به کارگیری و تغییر آنها در یک دامنه مشخص باشد، مناسب به نظر می‌رسد. هدف پژوهش و ایجاد فرضیه در حسابداری مدیریت، باید تعیین نوع فعالیت‌های حسابداری مدیریت و شرایط اجرایی شدن آنها باشد. به طور کلی به تئوری حسابداری مدیریت نیاز هست، چرا که به نوع سیستمها یا رویه‌ها، چگونگی و شرایط استفاده از آنها اشاره می‌کند [۱۱].

از اهداف اصلی حسابداری مدیریت می‌توان مساعدت و یاری رساندن به مدیران در تعیین خط‌مشی پایدار، ارزیابی عملیات روزمره واحد تجاری و مشارکت فعالانه مدیریت را برشمرد. به بیان دیگر، هدف اصلی

حسابداری مدیریت کمک به سازمان جهت رسیدن به اهداف استراتژیک است. مفاهیم حسابداری مدیریت برخاسته از هدف‌ها و ویژگی‌های کیفی اطلاعات این سیستم است. در صورت وجود انسجام میان چنین مفاهیمی (نظیر برنامه‌ریزی، سودمندی در ارزیابی، نظارت و هدایت سازمانی و رفتار هرینه) می‌توان از آن به عنوان مبنای اصلی تدوین مبانی نظری برای حسابداری مدیریت استفاده کرد [۱۵].

متعاقباً، چارچوب نظری حسابداری مدیریت برای تشکیل محتوای تئوری حسابداری مدیریت و ارتباطات بین آنها ضروری به نظر می‌رسد. چارچوب نظری حسابداری مدیریت باید فرضیات حسابداری مدیریت، اهداف حسابداری مدیریت، ویژگی‌های کیفی حسابداری مدیریت، مسئولیت‌ها و فعالیت‌های مهم حسابداری مدیریت را در نظر بگیرد. چارچوب نظری حسابداری مدیریت، از تئوری حسابداری مدیریت و ارتباط بین مولفه‌های متفاوت سیستم منطقی، تشکیل می‌شود [۲۰].

تحقیقات حسابداری مدیریت: جریان اصلی و رویکردهای جایگزین

به منظور تسهیل روند ایجاد و ارزیابی تحقیقات در حسابداری مدیریت، برخی از محققان تحقیقات حسابداری مدیریت را بر اساس مباحث فلسفی مانند هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی طبقه‌بندی کردند. به عنوان مثال، هاپر و پاول (۱۹۸۵) با تکیه بر چارچوب بارل و مورگان (۱۹۷۹)، از یک دیدگاه ذهنی-عینی برای طبقه‌بندی تحقیقات حسابداری مدیریت استفاده کرد. این چارچوب از دو بعد مستقل ماهیت علوم اجتماعی (مفروضاتی درباره هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، طبیعت انسانی و روش‌شناسی) و ماهیت جامعه (تغییر افراطی) ساخته شده است. با ترکیب این دو بعد، بارل و مورگان (۱۹۷۹) چهار چارچوب مرجع متقابل را تعریف کرد. کارکردگرایی، تفسیری، انسان‌شناسی افراطی و ساختارگرایی افراطی. این اصطلاحات توسط بارل و مورگان برای دسته‌بندی تحقیقات سازمانی استفاده می‌شود که می‌تواند به سه دسته تحقیقات جریان اصلی، تحقیق تفسیری و تحقیقات حسابداری انتقادی طبقه‌بندی شود.

ایده اثبات‌گرایی امروزه به مبنایی برای تحقیقات جریان اصلی حسابداری تبدیل شده است. قبل از دهه ۱۹۷۰، اثبات‌گرایی به الگوی بدون چالش تحقیقات حسابداری تبدیل شده بود و بحث محدودی در مورد محدودیت آن برجسته شده بود [۲۲]. رویکرد جریان اصلی با تأکید بر تئوری حسابداری اثباتی تأکید زیادی بر توضیح و پیش‌بینی پدیده‌های حسابداری، ریشه در هستی‌شناسی واقع‌گرایانه و معرفت‌شناسی اثبات‌گرایانه دارد [۲۸]. این پارادایم حسابداری را به عنوان یک واقعیت عینی خارجی مورد توجه قرار می‌دهد و مفهوم انعکاس را استقلال پژوهشگر، بی‌طرفی حسابداری و عینی‌گرایی تحلیل در حسابداری می‌داند [۲]. طرفداران اصلی تئوری اثباتی علاقه چندانی به بحث در مورد مبانی فلسفی آن نشان نداده‌اند و به ایده عدم قیاس پارادایم به عنوان دلیل انجام ندادن آن تمایل دارند.

تعدادی از مزایای استفاده از روش تحقیق اثبات‌گرایی وجود داشت. اولاً، استفاده گسترده از نمونه‌های بزرگ وجود داشت که می‌تواند به کل مردم تعمیم داده شود. ثانیاً، استفاده از روش‌های پیمایشی، طرح‌های تحقیق آزمایشگاهی و روش‌های آماری دقیق تحلیل می‌تواند شواهد تجربی قابل اطمینان را تضمین کند. ثالثاً، مشخصه تحقیقات اثبات‌گرایانه، تکرارپذیری بود، جایی که محقق دیگری توانست همان

تحقیق را به همان روش انجام دهد و به نتایج قابل مقایسه‌ای برسد. سرانجام، استقلال بین محقق و هدف مورد مطالعه می‌تواند از عینیت کامل در هنگام جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها اطمینان حاصل کند [۲۷].

الگوی‌های مهم بر این فرض استوار است که تناقضات و تعارضات ساختاری عمیقی در جامعه وجود دارد که مردم باید از آنها آگاه باشند و از آنها رهایی یابند [۳۲]. رویکرد اثبات‌گرایی همچنین محدودیت‌های زیادی دارد. بیکر و بتنر (۱۹۹۷) سه انتقاد به تحقیقات اثبات‌گرایی را مطرح کردند. در وهله اول، آن‌ها دریافتند که رویکرد اثبات‌گرایانه تلاش می‌کند تا تمام جنبه‌های تلاش بشر را به اعداد و ارقام تبدیل کند و بنابراین سطحی می‌باشد. ثانیاً، سیستم‌هایی که از تعاملات اجتماعی بین مردم ایجاد شده‌اند، قادر به برخورد با تفکر و احساسات مردم نبودند زیرا تحقیقات اثبات‌گرایی تصور می‌کنند که همه افراد دارای معانی یکسانی هستند. ثالثاً، استقلال بین محقق و هدف مورد بررسی یک افسانه است. مضافاً، طرفداران تحقیقات جایگزین ادعا کردند که بر خلاف تحقیقات جریان اصلی، آن‌ها بر زمینه گسترده‌تر سازمان‌ها و جامعه‌ای که حسابداری در آنها فعالیت می‌کند، تمرکز کرده‌اند. حسابداری اصلی در پرداختن به تبعات پیچیده اجتماعی در حسابداری از جمله شکل دادن به ایدئولوژی‌ها، تشکیل سلسله مراتب سیاسی و حفظ ساختارهای سازمانی ناتوان است [۹]. با اتخاذ تحقیقات جایگزین، حسابداری در اصل می‌تواند از طریق درک تأثیر آن بر افراد، سازمان‌ها و جامعه به بهترین شکل ممکن به دست آید.

این محدودیت‌های تحقیقات جریان اصلی، چوآ (۱۹۸۶) را بر آن داشت تا الگوهای تحقیق جایگزین (تحقیق حسابداری تفسیری و انتقادی) را جستجو کند. وی این الگوها را بر اساس مفروضات مربوط به دانش، واقعیت فیزیکی و اجتماعی و رابطه بین تئوری و دنیای عملی امور انسانی متمایز کرد. رویکرد تفسیری تحقیقات حسابداری به عنوان جایگزینی برای تحقیقات اصلی حسابداری مورد توجه قرار گرفت [۲۶].

آغاز تحقیق تفسیری این اعتقاد است که اقدامات اجتماعی، پدیده‌های طبیعی نیستند. در نتیجه، مطالعات تفسیری مبتنی بر این باور است که رویه‌های حسابداری به طور اجتماعی ساخته شده و توسط بازیگران اجتماعی قابل تغییر است. [۱۹] چنین مطالعاتی به درک حسابداری مدیریت به عنوان یک عمل اجتماعی می‌پردازند [۲۹]. در حقیقت، تحقیقات تفسیری به عنوان "پدیدارشناختی" دسته‌بندی می‌شود؛ زیرا بر منحصر به فرد بودن افکار و ادراکات فرد تمرکز داشت. این روش کیفی مانند مصاحبه برای به دست آوردن بینش در مورد چگونگی درک یک فرد از یک پدیده در پیش گرفت. ادیل، ناگو و وینارسی (۲۰۲۲) معتقد بودند که تفسیرگرایی یک رویه استقرایی از پایین به بالا بود که از فرضیات قبلی اجتناب می‌کند. برای انجام یک مطالعه تفسیری در حسابداری مدیریت لازم است روش‌های فعلی با در نظر گرفتن زمینه‌های تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و سازمانی بررسی شود [۲۸]. باکستر و چوآ (۲۰۰۳) و رایان و اسکینس (۲۰۰۲) چند نمونه از رویکردهای تفسیری اعمال شده در حسابداری مدیریت را ارائه می‌دهد که شامل تئوری ساختاردهی توسط گیدنز و تئوری تعامل‌گرایی نمادین است.

تحقیقات تفسیری این پتانسیل را دارد که نشان دهد چگونه عقلانیت از طریق تعامل اجتماعی پدیدار می‌شود و اینکه چگونه حسابداری و کنترل می‌توانند در این فرآیند تاثیرگذار باشند. اینجاست که تحقیقات تفسیری با تحقیقات انتقادی متفاوت است. تحقیقات انتقادی قصد ندارد رفتار عقلانی که از طریق اجتماعی پدیدار می‌شود را آشکار کند. بر اساس تحقیق انتقادی، هدف توانمندسازی مردم برای ایجاد جهانی بهتر برای خودشان بود. آنها بر توسعه تئوری‌های جدید یا نقد تئوری‌های موجود تمرکز داشتند و روش خاصی برای تحقیق ارائه ندادند. تحقیقات تاریخی، مردم‌نگاری و مطالعه موردی به طور معمول مورد استفاده قرار می‌گرفت و یافته‌های تحقیق برای محقق منجر به تحول می‌شد. حتی اگر تحقیقات جایگزین در حال رشد بود، تحقیقات اصلی حسابداری در ادبیات حسابداری غالب بوده است. با این حال، لوکا و کاسانن (۱۹۹۵) انتقاد به فاقد تعمیم بودن نتایج تحقیقات جایگزین به ویژه تحقیقات تفسیری را انکار کردند.

پارادایم تفسیری

پارادایم تفسیری با اعتقاد به اینکه افراد به طور مداوم واقعیات اجتماعی خود را در تعامل با دیگران به وجود می‌آورند؛ بر روی درک انسان از واقعیات متمرکز است [۱۱]. رویکرد تفسیری، ماهیت اجتماعی و ویژگی‌های زمینه‌ای حسابداری مدیریت را در بر می‌گیرد. هدف تئوری‌های تفسیری، درک معانی و کنش‌ها و اینکه مردم چگونه آنها را می‌سازند، است. تئوری‌های تفسیری به چند دلیل مفید هستند. اول، آنها به مفهوم‌پردازی پدیده مورد مطالعه کمک می‌کنند تا آن را از نظر انتزاعی درک کنند. دوم، آنها به بیان ادعاهای نظری مربوط به دامنه، عمق، قدرت و تجزیه و تحلیل داده کمک می‌کنند. سوم، آنها به تصدیق ذهنیت در تئوری‌پردازی کمک می‌کنند و از این رو نقش تجربه، نقطه نظرات و تعاملات در این پارادایم موثر است. سرانجام، آنها یک تفسیر نظری تخیلی ارائه می‌دهند که پدیده مورد مطالعه را معنا می‌بخشد [۱۲].

مفروضات اصلی تحقیقات تفسیری شامل ۱. اعتقادات به دانش: از تئوری برای ارائه توضیحاتی در مورد اهداف انسانی استفاده می‌شود. کفایت یک تئوری از طریق ثبات منطقی، تفسیر ذهنی و تفسیرهای مشترک ارزیابی می‌شود. در این نوع پژوهش، مطالعه مردم‌نگاری، مطالعات موردی و مشاهدات شرکت‌کنندگان مناسب‌ترین روش تحقیق برای بررسی دنیای روزمره بازیگران است؛ ۲. باورها درباره واقعیت فیزیکی و اجتماعی: واقعیت از طریق تعامل انسانی به طور اجتماعی ایجاد و عینیت می‌یابد. همه اعمال انسان معنا و مفهوم دارند و در زمینه اجتماعی و تاریخی ریشه دارند. علاوه بر این، نظم اجتماعی فرض شده و تعارض از طریق مجموعه‌ای مشترک از باورها و ارزش‌ها در نظر گرفته می‌شود؛ ۳. رابطه بین عمل و تئوری حسابداری: اهداف تئوری حسابداری برای توضیح عمل و درک نظم اجتماعی می‌باشد [۱۱]. ماهیت و وضعیت تحقیقات تفسیری در حسابداری مدیریت اخیراً مورد بحث و بررسی قابل توجهی قرار گرفته است [۲۴]. با این حال به مسئله بالقوه حیاتی چگونگی اعتبارسنجی چنین تحقیقاتی و نحوه تحقیق محققان حسابداری مدیریت تفسیری، توجه کمی شده است. در یک مفهوم بسیار گسترده، اعتبارسنجی به روش‌هایی گفته می‌شود که از طریق آن اعتبار یک تحقیق در مقابل مخاطبان مربوطه

توسعه می‌یابد [۳۱]. بحث پرداختن به موضوع اعتبارسنجی در تحقیقات تفسیری با بحث‌های انتقادی در مورد این موضوع در علوم اجتماعی نشان داده می‌شود. اگرچه اعتبارسنجی به طور بالقوه در همه نوع تحقیقات از جمله جریان اصلی "اثبات‌گرایانه" مشکل ساز است، اما محققان حسابداری مدیریت باید نسبت به پیامدهای بحث‌های اخیر در مورد چگونگی اعتبارسنجی تحقیقات تفسیری هوشیار باشند [۱۵]. بحث پیرامون مساله اعتبار در تحقیقات تفسیری، مفهوم اعتبار جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها را به چالش کشیده و توجه را به رابطه بین پژوهشگران و مخاطبان آنها معطوف می‌کند [۱۱]. تحقیقات تفسیری می‌تواند چیزهای فراتر از درک صرفاً ذهنی از معانی بازیگران باشد. در وهله اول، ایده‌های ناشی از عمل‌گرایی نشان می‌دهند تا امکان ادغام ساختارگرایی اجتماعی با نوع خاصی از رئالیسم را بیشتر روشن کرد. بنابراین تحقیقات تفسیری مستلزم بررسی عمیق در دنیای واقعی و سیستم‌های حاکمیت اجتماعی پیرامونی افرادی است که ارتباطات آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد [۱۹].

مطابق با دیدگاه تفسیری، تولید دانش معطوف به توضیحات علمی است که چگونه واقعیت به طور ذهنی ایجاد می‌شود و از طریق تعامل انسانی عینیت می‌یابد (چوا، ۱۹۸۶). باور اساسی درباره واقعیت این است که آن به طور مداوم توسط انسان ساخته و بازسازی می‌شود و بنابراین تغییر می‌کند [۱۲]. از نظر لومان (۲۰۰۵)، تحقیق از منظر تفسیری درک درستی از چگونگی تصمیم‌گیری در شرایط خاص سازمانی را فراهم می‌کند که با ماهیت ارتباط مفهومی متناسب است. رویکرد تفسیری ممکن است به مدیران و سایر افراد هشدار دهد که یک چارچوب از وضعیت تصمیم‌گیری از نظر رفتار منطقی، ساده و هیچ نظم اجتماعی قابل کنترل وجود ندارد. تحقیقات تفسیری حسابداری مدیریت پیچیدگی و تنوع موقعیت‌های سازمانی و اجتماعی را تأیید می‌کند. کثرت‌گرایی نظری، توانایی غنی‌سازی درک وضعیت تصمیم‌گیری را دارد [۲۰]. استلی و زاموتو (۱۹۹۲) نشان می‌دهند تحقیقات تفسیری ممکن است برای یک مدل نظری خاص از تنوع بینش نظری بدون انتخاب پیش‌بینی استفاده کند.

لوکا و مودل (۲۰۱۰) استدلال کردند که در متن دیدگاه تفسیری، معانی و تفاسیر عیناً تعاملی را که پدیده‌های اجتماعی زمینه‌ای را تولید می‌کنند، توضیح می‌دهد. از این لحاظ، تحقیق تفسیری چیزی فراتر از درک ذهنی از معانی و تفسیرهای بازیگران و اتفاق نظر (یا فقدان آن) است که به صورت تعاملی ایجاد می‌شود. تحقیقات تفسیری حسابداری مدیریت باید عناصر تفسیر ذهنی و همچنین عناصر درک عینی را در برگیرد. اگرچه این نوع تحقیقات از معانی ذهنی شروع می‌شود؛ اما با این وجود یک رویکرد منحصرأ‌ذهن‌گرایانه نیست. تحقیقات تفسیری از تئوری برای ارائه توضیحاتی درباره اعمال انسان، از طریق سازگاری منطقی و توافق با قضاوت صحیح بازیگران استفاده می‌کند [۲۹]. بنابراین، به دنبال تعادل بین ذهنیت و درک عینی ارتباط نظری است.

هدف اصلی تفسیر کاوش در تجربیات فردی و جمعی به منظور دستیابی به درک جامع از اقدامات و تعاملات مردم در این زمینه است [۲۴]. بنابراین، می‌توان دریافت که رویکرد تفسیری در حسابداری مدیریت به دنبال درک، توضیح و توصیف یک واقعیت اجتماعی است که از نظر ذهنی ایجاد و از طریق

تعاملات انسانی عینی می‌شود [۱۱]. به همین ترتیب، تحقیقات تفسیری مربوط به جهانی است که از نظر اجتماعی ساخته شده است. بدان معنا که از طریق کنش‌ها و فعل و انفعالات افراد تولید می‌شود [۳۲].

تئوری ساختاری در حسابداری مدیریت

از دیرباز، تئوری ساختار گیدنز به عنوان یک لنز نظری محبوب برای پژوهشگران حسابداری مدیریت، به ویژه در زمینه تغییر حسابداری مدیریت شناخته شده است. چرا که تئوری ساختاری سهم قابل توجهی در تحقیقات حسابداری "جایگزین" داشته است و دیدگاه منطقی _ اثبات‌گرایانه حسابداری را به چالش می‌کشد. همچنین جایگزینی برای تحقیقات حسابداری متمرکز بر ساختار یا اختیار بیشتر ارائه می‌دهد و توضیحات غنی‌تری از تغییر حسابداری به ویژه تغییر حسابداری مدیریت را در اختیار ما قرار می‌دهد (رابرتز، ۲۰۱۴). گیدنز (۱۹۷۹) بیان کرد که این تئوری با درک روابط بین فعالیت‌های افراد و ساختار سیستم‌های اجتماعی مرتبط است. از این دیدگاه، ویژگی‌های ساختاری سیستم‌های اجتماعی نتیجه رویه‌های عمل افراد هستند. ساختارها، الگوها و قالب‌هایی برای راهنمایی اعمال افراد در یک بافت اجتماعی اند [۳۱].

تغییر پست مدرنیست در تئوری اجتماعی منجر به ظهور گزینه‌های مختلفی برای پرداختن به مسئله ساختار و اختیار شد. گیدنز (۱۹۷۹) بیان کرد که اختیارات انسانی افراد و ساختار اجتماعی به یکدیگر وابسته و ساختارهای اجتماعی مستقل از اختیار انسانی وجود ندارد. اساساً ساختار در ذهن بازیگران به صورت قوانین و منابع است. در دهه‌های اخیر پژوهش‌های زیادی در زمینه دو گانه ساختارهای اجتماعی که ترکیبی از ساختار، قوانین و منابع یک جامعه و اختیار است که این قوانین و منابع در ذهن آنها نهفته است [۳۰]. دوگانگی ساختار به عنوان مفهوم اصلی این تئوری، تأکید می‌کند که ساختارها قوانین و منابعی را فراهم می‌کنند که انسان‌ها را از نظر معنی، مشروعیت و تسلط شکل می‌دهند و آنها را آگاه می‌کنند [۱۹]. به بیان دیگر، برای مدیریت در ساختار، کارگزاران سه بعد ساختار اجتماعی شامل معنا (مفهوم)، تسلط (قدرت) و شایستگی‌ها (مشروعیت) را در نظر می‌گیرند. مکینتاش و اسکاپنز (۱۹۹۰) این چارچوب را از طریق کاربرد آن در حسابداری مدیریت توضیح دادند. قوانین، مفاهیم و تئوری‌های حسابداری مدیریت ابزاری هستند در تفسیر و مخابره فعالیت‌ها که مدیران از طریق آن‌ها فعالیت‌های سازمان را درک و به دیگران منتقل می‌کنند. کنترل در حسابداری مدیریت منبعی برای اعمال قدرت و پاسخگویی است. همچنین، ساختار مشروعیت اشاره به مجموعه مزایا و معایب ارزش‌ها دارد. سیستم حسابداری مدیریت شامل مجموعه ارزش‌هایی است درباره اینکه به چه عملی باید پاداش داد و چه عملی را باید تنبیه نمود [۲۶]. این دیدگاه با تأکید بر نقش سیستم‌های اجتماعی، فرض تعادلی و شرایط ثابت را رد می‌نماید. سایر فرض‌های اقتصاد نئو کلاسیک نیز در این دیدگاه پذیرفته شده نیستند [۳۲].

بسیاری از جامعه‌شناسان معاصر، به ویژه واقع‌گرایان منتقد، نگرانی‌های نظری قابل توجهی را در مورد "دوگانگی" و "ساختار" مطرح کرده‌اند. از نظر رئالیست‌های منتقد، مهمترین مسئله این است که برای شرایط مادی اهمیت قائل نشویم که مقدم بر عمل انسان است. عدم تحقق شرایط مادی در مورد عوامل، به طور تحلیلی منجر به دو نگرانی عمده در رابطه با مفهوم‌سازی اختیار گیدنز از سوی رئالیست‌های منتقد

شده است. اول، در صورت عدم تجزیه و تحلیل جداگانه از شرایط مادی، قدرت اختیار انسان بیش از حد مورد تأکید قرار می‌گیرد. گیدنز تأکید می‌کند که در هر مرحله از زمان، اختیار می‌توانست غیر از این عمل کند. برخلاف گیدنز، تامپسون (۱۹۸۹) پیشنهاد می‌کند که بعضی از نمایندگان در موقعیتی قرار دارند که گزینه‌های بیشتری نسبت به دیگران ارائه می‌دهد، اما حتی در این صورت ممکن است با محدودیت‌های خارج از برداشت از معانی و اخلاقی روبرو شوند و تنها یک گزینه برای آنها باقی بماند. نگرانی دوم، گزارش‌های واقع‌گرایانه، انتقادی از موقعیت‌ها و روابط بین آنها منافع را در بر می‌گیرد و انگیزه‌ای برای اقدام به روشی خاص را برای نمایندگانی که آن موقعیت‌ها را اشغال می‌کنند، فراهم می‌آورد. اصرار گیدنز بر ساختارهای قوانین و منابع، نگرانی‌های بیشتری را از دیدگاه‌های واقع‌گرایانه انتقادی نیز ایجاد کرده است [۳۳]. اگرچه تا حدی قابل درک است که برخی قوانین ممکن است دارای وضعیت مجازی باشند، اما منابع مشخصاً به قلمرو مجازی تعلق ندارند. سیول (۱۹۹۲) با درک این مسئله، اصلاحیه‌ای را در تئوری ساختاربندهی پیشنهاد کرده است. بدان معنا که منابع به قلمرو فیزیکی و قوانین به قلمرو مجازی تعلق دارد. با این حال، اختصاص وضعیت فیزیکی به منابع به معنای تأیید مقدم بودن ساختارهاست. با این وجود وضعیت مجازی یا فیزیکی منابع در تئوری ساختاری به خودی خود مشکل‌ساز است. توجه به این نکته مهم است که در برابر انتقادات شدید محققان واقع‌گرایانه منتقد، استونز و همکاران (۲۰۰۱) از تئوری ساختاردهی با تلفیق ساختار و اختیار به ویژه در برابر انتقادات اصلی دفاع کردند. همچنین استدلال کردند که گیدنز به درستی وجود شرایط مادی بر عوامل را تأیید می‌کند.

دیدگاه انتقادی به تئوری ساختاری

تئوری ساختار گیدنز مورد انتقادات شدید جامعه‌شناسان معاصر قرار گرفته است، اما این انتقادات به ندرت در ادبیات حسابداری بازتاب می‌یابد. با استفاده از طرح طبقه‌بندی پورپورا (۱۹۸۹)، انتقادی درباره مطالعات و ساختارگرایی ارائه شد. طبق این الگو، وقتی افراد با هم ترکیب می‌شوند تا مجموعه‌ها و سازمان‌ها را تشکیل دهند، این مجموعه‌ها خصوصیات بیشتری نسبت به مجموع قسمت‌های خود دارند. برای بررسی ویژگی‌های خصوصی، تمرکز نباید بر روی افراد باشد، بلکه باید بر روی خصوصیات این مجموعه‌ها باشد. هدف علوم اجتماعی باید کشف ارتباط منظم بین خصوصیات یک مجموعه باشد. شرکت‌های بزرگ به احتمال زیاد سیستم‌های بودجه‌بندی رسمی‌تری دارند، در حالی که شرکت‌هایی که در یک محیط نامشخص کار می‌کنند، احتمالاً یک سیستم اندازه‌گیری عملکرد انعطاف‌پذیر دارند. رفتار با ساختار به عنوان یک قاعده مانند قانون بین واقعیت‌های اجتماعی با اختیار به عنوان یک پدیده ظاهر می‌شود [۲۶].

مفهوم ساختار به عنوان سیستمی از روابط بین موقعیت‌ها است. این مفهوم توسط رئالیست‌های منتقد گسترش یافته است. در این رویکرد، ساختار اجتماعی سیستمی از موقعیت‌ها درونی و لزوماً مرتبط است. در علوم اجتماعی، ساختار ناشی از روابط درونی و ضروری بین موقعیت‌ها یک ویژگی نوظهور است که می‌تواند به افراد تشکیل‌دهنده ساختار تقلیل یابد. یک تمایز واضح بین قدرت ساختار (موقعیت‌های مربوط به درون) و قدرت عوامل (افرادی که این موقعیت‌ها را اشغال می‌کنند) وجود دارد. ساختار با دادن

اختیارات، محدودیت‌ها و منافع شخصی بر عوامل تأثیر می‌گذارد. بنابراین نمایندگانی که موقعیت‌های ساختاری را اشغال می‌کنند، علاقه‌مند به حفظ شرایط ساختاری (در صورت داشتن مزیت نسبی) یا تلاش برای تغییر آن هستند (اگر در موقعیت ضعف نسبی قرار داشته باشند). هر موقعیت ساختاری اختیارات یا محدودیت‌های خاصی دارد. این محدودیت‌ها و قدرت‌های ساختاری حاصل تصورات نیست، بلکه واقعی هستند. بنابراین واقع‌گرایان منتقد به واقعیتی مستقل از باورهای نمایندگان اعتقاد دارند. با این حال، کارگزاران در حالی که موقعیت‌های ساختاری را اشغال می‌کنند، این عقاید و اهداف را شکل می‌دهند. بنابراین بررسی پدیده‌های اجتماعی مستلزم مطالعه جداگانه ساختار و اختیار است. این تفکیک تحلیلی از ساختار و اختیار، دوگانگی تحلیلی نامیده می‌شود و از مشخصه‌های رئالیسم انتقادی است [۲۳].

تعامل‌گرایی نمادین

بر اساس این دیدگاه واقعیت ساخته تعاملات افراد است و توسط نمادها تغییر می‌کند و تعدیل می‌شود. چوا (۱۹۸۶) این دیدگاه را توسعه داد. سه گزاره اصلی این دیدگاه را به شرح زیر بیان کرد:

۱. نحوه برخورد انسان‌ها با مسائل مطابق با معنای آن مسائل برایشان دارند.
 ۲. معنایی که انسان‌ها به مسائل نسبت می‌دهند بستگی به تعاملات اجتماعی آن‌ها دارد. در نتیجه، معانی ویژگی‌های ذاتی مسائل نیستند و بستگی به تعامل انسان با محیط دارد.
 ۳. افراد به منظور تشکیل معانی از نمادها و علائم استفاده می‌کنند.
- پژوهش تعاملی بیشتر در پاسخ به سوالات چگونگی است و نه چرایی. این نوع تحقیق بیشتر درگیر درک است نه کنترل و تعمیم‌پذیری را به خاطر تفاوت محیط‌های اجتماعی مختلف رد می‌کند. این دیدگاه شرایط ثابت را رد می‌کند و معتقد است که محیط پیرامون ما همواره در حال تغییر است و زمینه‌های اجتماعی، تاریخی و فرهنگی مسائل تحت بررسی را مدنظر قرار می‌دهد و سایر فرضیات اقتصاد نئو کلاسیک را رد می‌کند.

بلومر به عنوان چهره برجسته‌ای در جامعه‌شناسی تفسیری و تعامل‌گرایی نمادین شناخته می‌شود [۱۲]. دیدگاه تعامل‌گرایانه نمادین یک جهان اجتماعی پویا را در نظر می‌گیرد که در آن مردم بر اساس معانی اهداف در جهان خود عمل می‌کنند و این معانی از طریق تفسیر موقعیتی و تعاملات اجتماعی ساخته می‌شوند [۹]. مبانی هستی‌شناختی این دیدگاه، مباحث معرفت‌شناختی درباره ماهیت تحقیق پژوهشی است. اساسی‌ترین آنها این است که ماهیت تحقیق باید با مفروضات هستی‌شناختی همخوانی داشته باشد. یعنی روش‌هایی که محقق برای جمع‌آوری، پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها به کار می‌برد باید با پیش‌فرض‌هایی که محقق درباره ماهیت واقعیت و درک آن واقعیت ارائه می‌دهد، سازگار باشد [۱۴]. تحقیق در حوزه تعامل‌گرایی نمادین بر خلاف رفتارگرایی است که دلایلی را از اعمال یا رفتار مشاهده‌پذیر استنباط می‌کند. تحقیقات رفتارگرایی مبتنی بر این دیدگاه است که واقعیتی واحد، پایدار، پراکنده و عینی وجود دارد. این در حالی است که تعامل‌گرایی نمادین به دنبال گرفتن فرآیندهای تفسیر است که از طریق آن بازیگران اقدامات خود را می‌سازند [۱۴]. پژوهشگر رفتارگرا بر رفتار بازیگر تمرکز و با استناد

به مفاهیم و تئوری‌های ارائه شده توسط محقق، دلایل یا توضیحی راجع به رفتار بازیگران ارائه می‌دهد. محقق تفسیری برای درک رفتار بر تفسیر بازیگر از پدیده و توضیح رفتار تمرکز می‌کند. مشارکت‌کنندگان سازمانی معانی یا واقعیت‌ها را از طریق مشاهده، تعامل و تفسیر با ارزش‌ها، هنجارها و قوانین مورد توجه قرار می‌دهند. بنابراین محققان معانی یا توضیحات و درک را از طریق مشاهدات حقیقی موجود در دنیای تحقیق در نظر می‌گیرند. یانگ (۱۹۸۰) بیان کردند که مفاهیم سازه‌های اجتماعی از طریق تعامل اجتماعی ایجاد می‌شوند که با توجه به موقعیت‌های اجتماعی موجود شکل می‌گیرند. وجود و پیامدهای این باورها و تفسیرها توسط تعداد بسیاری از محققان مردم‌شناسی شناخته می‌شود و بعنوان ابعدی برای گسترش طبقه‌بندی تحقیقات مردم‌نگاری مورد استفاده قرار می‌گیرد [۲۶].

نتیجه گیری

این مقاله می‌تواند به محققان حسابداری کمک کند تا تفاوت در الگوی حسابداری را درک کنند. تحقیقات در زمینه حسابداری مدیریت را می‌توان با تنوع روش‌شناختی آن که شامل تحقیقات تفسیری، تحقیقات انتقادی و تحقیقات کارکردگرایانه و اثبات‌گرایانه سنتی است، مشخص کرد. در همین راستا، جریان اصلی و رویکردهای جایگزین در تحقیقات حسابداری مدیریت مشخص شد. جریان اصلی غالب تحقیقات در زمینه حسابداری مدیریت را تشکیل می‌دهد [۳]. این دسته از تحقیقات مبتنی بر دیدگاه‌های کارکردگرایانه و اثبات‌گرایانه است و در مفروضات تئوری اقتصاد نئوکلاسیک استوار است. در مقابل، رویکردهای جایگزین به دو دسته تحقیقات تفسیری و تحقیقات حسابداری انتقادی تقسیم می‌شوند. بنابراین، حسابداری مدیریت یک زمینه ناهمگن تحقیق با الگوی غیر غالب است. این مطالعه مروری بر حوزه تحقیقات حسابداری مدیریت در حوزه پارادایم تفسیری (ساختارگرایی و تعامل‌گرایی نمادین) داشت. هدف تحقیق تفسیری درک جهان اجتماعی است. در نتیجه، این جریان تحقیق مبتنی بر این دیدگاه است که شیوه‌های حسابداری به طور اجتماعی ساخته می‌شود و توسط افراد قابل تغییر است. به منظور افزایش بیشتر ارتباط عملی دانش علمی مدیریت حسابداری، از تمرکز بر ارتباط مفهومی حمایت می‌شود. این مستلزم تولید دانش برای درک حسابداری مدیریت تغییر است. علاوه بر این فن‌آوری‌ها و فنون حسابداری و کنترل با امور اجتماعی آمیخته شده‌اند. بنابراین، رشته حسابداری مدیریت بیش از مهندسی یا پزشکی به علوم اجتماعی شباهت دارد. تحقیقات حسابداری مدیریت تفسیری دارای ارتباط مفهومی و قانونی است. در زمان حاضر، تحقیقات تفسیری حسابداری مدیریت از اهمیت مفهومی بالایی برخوردار است. تحقیقات تفسیری توضیحات غنی از تغییرات در فرآیندهای مدیریت و همچنین تفسیرهای جامعی متناسب با تعامل آنها در زمینه‌های گسترده‌تر، ارائه می‌دهد. تئوری‌ها فقط تا آنجا مفید خواهند بود که بتوانند یافته‌ها را تلفیق کنند. پژوهش حاضر به بحث و تبادل نظر در مورد ظهور ماهیت تحقیقات تفسیری در حسابداری مدیریت کمک می‌کند و آن را گسترش می‌دهد. پژوهش حاضر به فرصتی قابل درک برای کمک به توسعه استقرار بهبود یافته ادبیات تفسیری در حسابداری مدیریت پرداخته است. این مقاله همچنین نشان داد که چگونه رویکرد تعامل‌گرایانه نمادین می‌تواند از علاقه، قدرت و ایدئولوژی

استفاده کند. تعامل گرایی نمادین ممکن است اساس چارچوبی منطقی و قابل قبول برای بررسی حسابداری را فراهم کند.

تحقیقات حسابداری مدیریت تفسیری می‌کوشد تا نشان دهد که چگونه عقلانیت از طریق تعامل اجتماعی پدیدار می‌شود و اینکه چگونه حسابداری و کنترل در این فرایند تاثیرگذار هستند. اینجاست که تحقیقات تفسیری با تحقیقات اصلی متفاوت می‌شود. از آنجا که تحقیقات تفسیری حسابداری مدیریت، پیچیدگی و تنوع موقعیت‌های سازمانی و اجتماعی را تصدیق می‌کند، برای درک وضعیت تصمیم‌گیری نیاز به کثرت‌گرایی نظری دارد. به این ترتیب، تحقیقات تفسیری ممکن است توضیحاتی مبتنی بر تئوری یا فهیمی از معانی افراد از مفاهیم اجتماعی و تفسیرها را ارائه دهد.

فهرست منابع

۱. حجازی، رضوان و بذرافشان. (۱۳۹۲). "بررسی تناسب محتوای متون حسابداری مدیریت با نیازهای روز با استفاده از متن کاوی متون حسابداری مدیریت". **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، ۲ (۵)، صص ۲۰-۲۷.
۲. عظیمی یانچشمه، مجید و میرزائی، مهدی. (۱۳۹۹). "بررسی پارادایم‌های پژوهش در حسابداری مدیریت". **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، ۹ (۳۶)، صص ۶۳-۸۴.
3. Adil, M., Nagu, N., Rustam, A., & Winarsih, E. (2022). "Interpretive Paradigm on Development of Science and Accounting Research." **International Journal Of Humanities Education and Social Sciences (IJHES)**, 1(4).
4. Ahrens, T., & Chapman, C. S. (2006). "Doing qualitative field research in management accounting: Positioning data to contribute to theory". **Accounting, organizations and society**, 31(8), 819-841.
5. Al-Htaybat, K., & von Alberti-Alhtaybat, L. (2013). "Management accounting theory revisited: Seeking to increase research relevance." **International Journal of Business and Management**, 8(18), 12.
6. Baker, C. R., & Bettner, M. S. (1997). "Interpretive and critical research in accounting: a commentary on its absence from mainstream accounting research." **Critical perspectives on Accounting**, 8(4), 293-310.
7. Baxter, J., & Chua, W. F. (2008). "The field researcher as author-writer." **Qualitative Research in Accounting and Management**, 5, 101-121.
8. Bromwich, M. (1990). "The case for strategic management accounting: the role of accounting information for strategy in competitive markets." **Accounting, organizations and society**, 15(1-2), 27-46.
9. Burrell, G., & Morgan, G. (1979). **Sociological Paradigms and Organisational Analysis**. "London: Heinemann."
10. Burritt, R. L., Hahn, T., & Schaltegger, S. (2002). "Towards a comprehensive framework for environmental management accounting—Links between business actors and environmental management accounting tools." **Australian Accounting Review**, 12(27), 39-50.

11. Chua, W. F. (1986). "Radical Developments in Accounting Thought." **The Accounting Review**, 61(4), 601-632.
12. Günbayi, I., & Sorm, S. (2018). Social paradigms in guiding social research design: The functional, interpretive, radical humanist and radical structural paradigms. Online Submission, 9(2), 57-76.
13. Haleem, A., Nawaz, S. S., & Ayoobkhan, A. L. M. (2020). "Determinant of Contingency Factors of AIS in ERP System." **TEST Engineering and Management**, 83, 6593.
14. Hopper, T., & Powell, A. (1985). "Making sense of research into the organizational and social aspects of management accounting: a review of its underlying assumptions." **Journal of management Studies**, 22(5), 429-465.
15. Hopwood, A. (1994). "Accounting and the pursuit of efficiency. Public sector management: theory," **critique and practice Sage**, London, 145-159.
16. Hopwood, A. (2002). "If only there were simple solutions, but there aren't: some reflections on Zimmerman's critique of empirical management accounting research." **European Accounting Review**, 11(4), 777-785.
17. Langfield-Smith, K., & Baines, A. (2003). "Antecedents to Management Accounting Change: A Structural Equation Approach." **Accounting, Organisation and Society**, 28(7-8), 675-698.
18. Latour, B. (2005). "Reassembling the social—An introduction to actor network theory." **Management Learning**, 38(1), 121-125.
19. Lebedev, P. (2014). "Evolution of management accounting concept in Russia: In A search of identity." **Procedia-Social and Behavioral Sciences**, 156, 580–584..
20. Lebedev, P. (2019). "Management Accounting Practices In Emerging Markets: A Multiple-Case Study Of Russian Midsized Private Companies." **In 6th SWS International Scientific Conferences on social sciences** 361-376.
21. Locke, J., & Lowe, A. (2008). "Evidence and implications of multiple paradigms in accounting knowledge production." **European Accounting Review**, 17(1), 161–191.
22. Lukka, K. and Modell, S. (2010). "Validation in interpretive management accounting research." **Accounting, organizations and society**, 35(4), 462-477.
23. Lukka, K., & Mouritsen, J. (2002). "Homogeneity or heterogeneity of research in management accounting?" **European Accounting Review**, 11(4), 805-811.
24. Miles, M. B., Huberman, A. M., & Saldaña, J. (2014). "Qualitative data analysis: A methods sourcebook. 3rd." **Thousand Oaks, CA: Sage**.
25. Roberts, J. (2014). "Testing the limits of structuration theory in accounting research." **Critical Perspectives on Accounting**, 25(2), 135-141.
26. Roberts, J. (2014). "Testing the limits of structuration theory in accounting research." **Critical Perspectives on Accounting**, 25(2), 135-141.
27. Russell, J. D., & Fusilier, M. (2014). "A Symbolic Interactionist framework for critical ethnographic research in Management Accounting." **International Journal of Business and Social Science**, 5(10).
28. Ryan, B., & Scapens, R. (2002). "Research Method and Methodology in Finance and Accounting." **London: Thomson**.

29. Scapens, R. W. (2004). "Doing case study research." **In The real life guide to accounting research.** 257–279.
30. Semenova, V. (2020). "Technology adoption theories in examining the uptake of blockchain technology in the framework of functionalist and interpretive paradigms." **Vezetéstudomány/Budapest Management Review**, 51(11), 26-38.
31. Sewell Jr, W. H. (1992). "A theory of structure: Duality, agency, and transformation." **American journal of sociology**, 98(1), 1-29.
32. Thompson, J.B. (1989) 'The Theory of Structuration'. In *Social Theory of Modern Societies*: **Cambridge University Press**.
33. Whittle, A., & Mueller, F. (2010). "Strategy, enrolment and accounting: the politics of strategic ideas." **Accounting, Auditing & Accountability Journal**, 23(5), 626–646.





The Interpretive Paradigm in Management Accounting: Symbolic Interactionism and Structuralism

Zahra Joudakichegeni¹©

Ph.D. Candidate, Department accounting, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Rafik Baghomian²

Assistant Prof., Department accounting, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

(Received: 18 April 2022; Accepted: 26 September 2022)

Objective: With the development of growing economic and social competition, management accounting has become unprecedentedly considered by social circles and has become a concern. The ultimate mission of management accounting theory is to provide better services in the field of practice. Therefore, management accounting research can not be separated from real business activities. The purpose of this study is to discuss the interpretive paradigm based on its principles and application in management accounting research.

Method: This research in terms of method, reviews and evaluates research done in the past.

Results: Symbolic interactionism and structuralism are as a branch of interpretive approach. This study provides a general but systematic overview of the status and development of management accounting and contributes to the development of theory.

Conclusion: An interpretive method and a theoretical approach based on this can effectively support researchers in evaluating management accounting theory. Also, the interpretive paradigm in the philosophy of science can help researchers to further explore the reality of social life.

Keywords: Management Accounting Theory, Interpretive Approach, Symbolic Interactionism, Structuralism.

¹ z.h.r.joudaki@gmail.com ©(Corresponding Author)

² r_baghomian@sbu.ac.ir